



لطفاً بفرمائید

سروش رفیعی به تیم الخور قطر پیوند خورد. به همین سادگی، اوزمانی از پرسپولیس جدا شد که نمی‌بایست جدای او خیلی راحت و بدون آنکه کسی بخواهد سدی مقابلش قرار دهد از پرسپولیس جدا شد و به تیم الخور قطر پیوست. این نقل و انتقال هیچ سودی برای پرسپولیس نداشت! حتی یک دینار! چون این هنر در نزد مدیران باشگاههای ایرانی قرار دارد که باز یکنانشان بر خلاف تمام دنیا، زمانی قصد ترک باشگاه را دارند، دیناری به باشگاه قبل نخواستند و با سینه‌های سپر شده از باشگاه قبلی به باشگاه جدید انتقال می‌یابند. آیا از این نوع هنر رادر جایی سراغ دارید. بی‌دلیل نیست که می‌گویند هنر نزد ایرانیان است و بس. انتقال سروش رفیعی از تیم پرسپولیس به الخور قطر هیچ در آمدی، هیچ سودی برای پرسپولیس نداشت. بد نیست بدانید که سروش رفیعی برای پیوند خوردن به تیم الخور قطر برای یک سال دو میلیارد و دو سیست میلیون تومان آنهم بدون مالیات! دریافت کرده است. آیا هنر در نزد مدیران باشگاههای ایرانی قرار ندارد، اگر غیر از این است، لطفاً بفرمائید!

یکی نیست از مدیران باهنر باشگاه پرسپولیس جو یا شود، سروش چگونه به قطر رفت، با چه کسی مذاکره داشت. مذاکره او با باشگاه الخور چگونه صورت گرفت. مگر قرار نیست در راه انتقال باز یکنان به سایر تیم‌ها باشگاه‌ها وارد مذاکره شوند. آیا این بند در زمان عقد قرارداد سروش با پرسپولیس قید شده بود یا خیر. مشخص است که سروش خود اقدام به جدایی از پرسپولیس کرده است، زیرا در قراردادش با پرسپولیس هیچ نکته‌ای وجود نداشت که بخواهد باشگاه پرسپولیس در جریان نقل و انتقالش قرار بگیرد. آفرین صد آفرین رو به مدیران باهنر باشگاه پرسپولیس.

در خواست پنج میلیاردی پروین



هفته‌ای که گذشت شاهد انجام دو حرکت و دو اقدام خبرساز از سوی علی پروین بودیم. سلطان دیروز و امروز فوتبال اینروزها رفت و آمدش به باشگاه پرسپولیس پر شمار شده است. روابط او با طاهری مدیر عامل باشگاه و جناب جعفر خان کاشانی که از بزرگان فوتبال به شمار می‌آید بسیار صمیمی و عمیق و پر معنای شده است. چون همه از رنگ قرمز هستند

و برای اقتدار و اعتلای پرسپولیس از مشورت غافل نیستند. اما دو خبر و اقدامی که علی پروین هفته گذشته از خود بروز داد، از این قرار است.

اقدام اول جواب رد برای قرار گرفتن در جمع اعضای هیئت رئیسه باشگاه پرسپولیس. البته منتقمی و ذوالفقار نسب به این پیشنهاد پاسخ مثبت دادند، اما پروین نپذیرفت.

اقدام دوم اینکه، پروین گفته است، پرسپولیس برای تیم شدن نیاز به پنج میلیارد تومان پول دارد، البته پروین هرگز نگفت این پنج میلیارد در کجا و در چه اموری باید صرف شود، فقط نیاز باشگاه پرسپولیس را بر زبان آورد.

ای کاش سلطان فوتبال نیازهای پرسپولیس را بر روی کاغذ می‌آورد تا معلوم شود که نیاز پرسپولیس فقط همان پنج میلیاردی است که پروین بر زبان آورده است یا آنکه...

حتماً خبری هست



علی کریمی به پیشنهاد پذیرش سرمربیگری تیم فوتبال نفت جواب منفی داد. اتفاقاً در خصوص مسائل نیز رقم قابل توجهی به کریمی ارائه شده بود. به دنبال آن یک تیم دسته اولی نیز به سراغ کریمی رفت تا بلکه او را راضی به نشستن بر روی نیمکت تیمش کند. اما کریمی باز هم پاسخ منفی داد. اتفاقاً تیم مورد نظر از آنها دست تیم‌هایی است که

سرفه‌اش همیشه غذای چرب دیده می‌شود. با اینحال کریمی باز پاسخ منفی داد، اما بدانید که کریمی اخیراً در کلاس مربیگری C آسیا شرکت داشت، دست به کار شده تا به مدرک مربیگری بین‌المللی دست یابد. او در تدارک سفر به آلمان است و حتی چمدانهایش را بسته است. مدرک که کریمی به دنبال دریافت آن است از آن دست مدارکی است که اجازه خواهد داد تا در آینده مدرک در هر کشوری اقدام به مربیگری کند. یعنی تعریف مربی حرفه‌ای را پیدا خواهد کرد. اشتباه نکرده باشیم، پشت پرده خبرهایی وجود دارد. گویا کریمی به دنبال تیمی است که فراتر از باشگاه می‌باشد. گویا کریمی به افق دور چشم دوخته است و در نظر دارد تا فعالیت مربیگری‌اش در سطح گسترده دنبال کند. اتفاقاً توانایی این کار را هم دارد، چون هنر بازی و فراتر از قاره آسیا در گوش شنیده شد و اصولاً کریمی در فوتبال ایران نامی آشنا برای اهالی فوتبال بین‌المللی دارد.

پدر عشق بسوزد!



چهل و اندی سال است که فوتبال مان توانسته به باز یهای المپیک راه یابد. تا این لحظه به قبای هیچ بنی و بشری هم بر نخورده است. در خصوص تیم فوتبال امید باید گفت، هر کس از راه می‌رسد، چیزی را به سمت و سوی این تیم برتاب می‌کند تا راهیابی به المپیک تعریف آرزو را به خود بگیرد. اخیراً اقدامی صورت گرفت و مربی فوتبال امید ایران برای تشکیل تیم امید جهت حضور در رقابت‌های مقدماتی باز یهای المپیک انتخاب شد. این اقدام را به فال نیک می‌گیریم، چون در همه دوره‌ها مربی تیم درست در دقیقه ۹۰ انتخاب می‌شد و نوع برخورد در خصوص انتخاب دیر هنگام مربی اینگونه تعریفی همراه داشت. المپیک بی المپیک. از اینرو بالاتر از چهل سال پشت درهای راهیابی به المپیک گرفتار آمده‌ایم، اما اینبار مربی تیم به سرعت باد و برق انتخاب شد. و لیکن اگر و اماها هنوز باقی مانده است. امیر حسین پیروانی به عنوان سرمربی برای تیم امید انتخاب شد. پیروانی چندی پیش همراه با تیم ملی فوتبال جوانان ایران در مسابقات جام جهانی ناکام ماند و تیم ملی جوانان ایران از راهیابی به مراحل بالاتر باز ماند، عمده دلیل این ناکامی به مسائل فنی ارتباط داشت. اکنون او به تیم امید ایران راه یافته است. اصولاً پیروانی را یک مربی تحصیل کرده و به روز می‌دانیم، اما انتخاب او به تنهایی برای تیم ملی امید ایران کافی و کامل نیست. عملکرد او در تیم ملی جوانان ایران چنین نشان می‌دهد که او در روزهای سخت و باز یهای بزرگ، به عنوان مرد اول آن توانایی فنی بالا رادر اختیار ندارد. بهتر آن بود که پیروانی در همان تیم جوانان ابقاء می‌شد. البته حضور او در کنار تیم ملی امید ایران با توجه به اینکه باز یکنان تیم امید که به زودی شکل خواهد گرفت و فراخوانی در این خصوص انجام خواهد شد و نیز همان باز یکنان تیم ملی جوانان ایران خواهند بود، می‌توان حضور پیروانی رادر کنار تیم از منظر مفید تلقی کرد و آن را با ارزش به حساب آورد، اما برای راهیابی به باز یهای المپیک و شکستن طلسم بالای چهل سال ناکامی و عدم راهیابی به باز یهای المپیک، بار فنی پیروانی به عنوان سرمربی جوابگو نخواهد بود و نمی‌تواند گره‌ای را باز کند. باید به فکر تقویت فنی تیم امید باشیم. امیدها به مربی نامدار احتیاج دارند. امیدها به یک مربی باتجربه احتیاج دارند. امیدها به یک مربی بزرگ و دنیا دیده نیاز مند هستند، مثل کارلوس کی‌روش. آنوقت حضور پیروانی می‌تواند در کنار تیم امید به عنوان نفر دوم تعریف پیدا کند. البته صد افسوس که در کمیته‌ای که کارش انتخاب مربیان برای تیم‌های پایه است، مردان عاشق و دلسوز فراوان دیده می‌شوند. اما این افراد نمی‌دانند که عاشقی و دلسوزی را باید چگونه ارائه و بروز داد. بسوزد پدر این نوع دلسوزی و عاشقی!! که همه چیز را وارونه می‌کند.